

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان
وَيْلٌ لِلْمُطَفِّينَ ﴿١﴾

فولادوند: وای بر کمفروشان

مکارم: وای بر کمفروشان.

الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾

فولادوند: که چون از مردم پیمانه ستانند تمام ستانند

مکارم: آنها که وقتی برای خود کیل می‌کنند حق خود را به طور کامل می‌گیرند.

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿٣﴾

فولادوند: و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند به ایشان کم دهند

مکارم: اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران کیل یا وزن کنند کم می‌گذارند!

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿٤﴾

فولادوند: مگر آنان گمان نمی‌دارند که برانگیخته خواهند شد

مکارم: آیا آنها باور ندارند که برانگیخته می‌شوند.

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥﴾

فولادوند: [در] روزی بزرگ

مکارم: در روزی بزرگ.

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾

فولادوند: روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پای ایستند

مکارم: روزی که مردم در پیشگاه رب العالمین می‌ایستند.

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ﴿٧﴾

فولادوند: نه چنین است [که می‌پندارند] که کارنامه بدکاران در سجین است

مکارم: چنین نیست که آنها (درباره قیامت خیال می‌کنند) مسلماً نامه اعمال فاجران در سجین است!

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ ﴿٨﴾

فولادوند: و تو چه دانی که سجین چیست

مکارم: تو چه می‌دانی سجین چیست ؟

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿٩﴾

فولادوند: کتابی است نوشته‌شده

مکارم: نامه‌ای است رقم زده شده و سرنوشتی است حتمی.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾

فولادوند: وای بر تکذیب‌کنندگان در آن هنگام

مکارم: وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان.

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿١١﴾

فولادوند: آنان که روز جزا را دروغ می‌پندارند

مکارم: همانها که روز قیامت را انکار می‌کنند.

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾

فولادوند: و جز هر تجاوزپیشه گناهکاری آن را به دروغ نمی‌گیرد

مکارم: و تنها کسانی آن را انکار می‌کنند که متجاوز و گنهکارند.

إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾

فولادوند: [همان که] چون آیات ما بر او خوانده شود گوید [اینها] افسانه‌های پیشینیان است

مکارم: همان کس که وقتی آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید: این افسانه‌های پیشینیان است!

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾

فولادوند: نه چنین است بلکه آنچه مرتکب می‌شدند زنگار بر دل‌هایشان بسته است

مکارم: چنین نیست که آنها خیال می‌کنند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته!

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ﴿١٥﴾

فولادوند: زهی پندار که آنان در آن روز از پروردگارشان سخت محجوبند

مکارم: چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه آنها در آن روز از پروردگارشان محجوبند.

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: آنگاه به یقین آنان به جهنم درآیند

مکارم: سپس آنها مسلماً وارد دوزخ می‌شوند.

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿١٧﴾

فولادوند: سپس [به ایشان] گفته خواهد شد این همان است که آن را به دروغ می‌گرفتید

مکارم: بعد به آنها گفته می‌شود این همان چیزی است که آن را تکذیب می‌کردید!

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّنَ ﴿١٨﴾

فولادوند: نه چنین است در حقیقت کتاب نیکان در علیون است

مکارم: چنان نیست که آنها (درباره معاد) خیال می‌کنند، بلکه نامه اعمال نیکان در علیین است.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ﴿١٩﴾

فولادوند: و تو چه دانی که علیون چیست

مکارم: و تو چه می‌دانی علیین چیست؟!

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿٢٠﴾

فولادوند: کتابی است نوشته‌شده

مکارم: نامه‌ای است رقم زده شده و سرنوشتی است قطعی.

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾

فولادوند: مقربان آن را مشاهده خواهند کرد

مکارم: که مقربان شاهد آند.

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾

فولادوند: براستی نیکوکاران در نعیم [الهی] خواهند بود

مکارم: مسلماً نیکان در انواع نعمت متنعمند.

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٢٣﴾

فولادوند: بر تختها [نشسته] می‌نگرند

مکارم: بر تختهای زیبای بهشتی تکیه کرده و به زیباییهای بهشت می‌نگرند.

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: از چهره‌هایشان طراوت نعمت [بهشت] را درمی‌یابی

مکارم: در چهره‌های آنها طراوت و نشاط نعمت را می‌بینی.

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ﴿٢٥﴾

فولادوند: از باده‌ای مهر شده نوشانیده شوند

مکارم: آنها از شراب زلال دست نخورده سرریسته‌ای سیراب می‌شوند.

خِتَامُهُ مِسْكَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ﴿٢٦﴾

فولادوند: [باده‌ای که] مهر آن مشک است و در این [نعمتها] مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند

مکارم: مهری که بر آن نهاده شده از مشک است، و در این نعمتهای بهشتی باید راغبان بر یکدیگر پیشی گیرند!

وَمِزَاجُهُ مِنَ تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾

فولادوند: و ترکیبش از [چشمه] تسنیم است

مکارم: این شراب (طهور) ممزوج با تسنیم است.

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقْرَبُونَ ﴿٢٨﴾

فولادوند: چشمه‌ای که مقربان [خدا] از آن نوشند

مکارم: همان چشمه‌ای که مقربان از آن می‌نوشند.

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾

فولادوند: [آری در دنیا] کسانی که گناه می‌کردند آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می‌گرفتند

مکارم: بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می‌خندیدند.

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿٣٠﴾

فولادوند: و چون بر ایشان می‌گذشتند اشاره چشم و ابرو با هم رد و بدل می‌کردند

مکارم: و هنگامی که از کنار آنها (جمع مؤنن) می‌گذشتند آنها را با اشارات مورد سخریه قرار می‌دادند.

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿٣١﴾

فولادوند: و هنگامی که نزد خانواده[های] خود بازمی‌گشتند به شوخ‌طبعی می‌پرداختند

مکارم: و هنگامی که به سوی خانواده خود باز می‌گشتند مسرور و خندان بودند.

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ﴿٣٢﴾

فولادوند: و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند اینها [جماعتی] گمراهند
مکارم: و هنگامی که آنها (مؤمنان) را می‌دیدند می‌گفتند: اینها گمراهند.

وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ﴿٣٣﴾

فولادوند: و حال آنکه آنان برای بازرسی [کار]شان فرستاده نشده بودند
مکارم: در حالی که آنها هرگز مأمور مراقبت و متکفل آنان (مؤمنان) نبودند.

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٤﴾

فولادوند: و [لی] امروز مؤمنانند که بر کافران خنده می‌زنند
مکارم: ولی امروز مؤمنان به کفار می‌خندند.

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٣٥﴾

فولادوند: بر تختها [ی خود نشسته] نظاره می‌کنند
مکارم: در حالی که بر تختهای مزین بهشتی نشسته‌اند و نگاه می‌کنند.

هَلْ تُؤْتِبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

فولادوند: [تا ببینند] آیا کافران به پاداش آنچه می‌کردند رسیده‌اند
مکارم: آیا کفار پاداش اعمال خود را گرفتند؟! 